

فعالیت بهاییان در آذربایجان به روایت اسناد

○ رحیم نیکبخت*

۲۱۵

از جمله موضوعات مهم در تاریخ معاصر ایران بهائیت است. ارتباط مستقیم و غیرمستقیم بهاییان با بیگانگان، نقش و تأثیر آنان در سیاستهای ضداسلامی عصر پهلوی چون کشف حجاب و سیطره اقتصادی بر ارکان جامعه، تسلط عوامل بهایی در تشکیلات اداری و سیاسی - نظامی ایران از مسائل مهم و قابل بررسی این فرقه سیاسی است. اما آذربایجان در فعالیتهای برنامه‌های بهاییان از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. در خاطرات مرحوم صبحی، گزارشهای نسبتاً دقیقی از گستره فعالیت بهاییان در آستانه جنگ جهانی اول در آذربایجان داده شده است.^۱ بر اساس اسناد و منابع دیگر با سایر فعالیتهای بهاییان در عصر پهلوی آشنا می‌شویم. بر اساس اسناد^۲ موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی ناگفته‌هایی از فعالیت بهاییان در آذربایجان را مرور می‌کنیم. حجم انبوه اسناد و فعالیتهای متنوع بهاییان در سرتاسر ایران و بویژه در آذربایجان، انتخاب اسناد را مشکل می‌سازد. با این حال این نوشتار می‌تواند فتح بابی برای بررسیهای دقیق‌تر در این باره به حساب آید.

نقشه ده‌ساله

همچنان که تاکنون تاریخ دقیق فعالیتهای و جوانب تلاشهای بهاییان به روشنی طرح نشده، اطلاعات ما از کیفیت فعالیتهای بهاییان نیز کافی نیست. از جمله مسائل قابل بحث «نقشه

بدیعه جهاد کبیر اکبر الهی» است. این برنامه ده ساله از سال ۱۳۳۲ شروع و تا سال ۱۳۴۲ ادامه پیدا کرده است. در گزارشهای موجود عنوان شده است که این برنامه با موفقیت توأم بوده است. متأسفانه از کم و کیف فعالیتهای مختلف بهاییان در این برنامه دهساله گزارشی در دست نیست. در این مقطع ده ساله تحولات بسیاری روی داد که بیارتباط با گسترش و بسط نفوذ فعالیتهای این فرقه نبود. چه بسا بخشی از اهداف نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) در سال ۴۱ را باید پاسخی به این تحولات تلقی کرد. گزارشهای شهربانی تبریز از بهاییان در آستانه شروع نهضت اسلامی حکایت از گسترش فعالیتهای این فرقه - اواخر برنامه ده ساله بهایی - دارد. در گزارشی مربوط به اواخر سال ۱۳۴۰ عنوان شده است:

از استانداری آذربایجان ضمن شماره ۲۴۰۴ - ۴۰/۱۰/۱۹ اعلام شده بود که به استناد گزارشهایی که به استانداری رسیده اخیراً فعالیت بهاییان در آذربایجان شدت پیدا کرده در محفل خودشان به تبلیغات مذهبی مشغولاند که در این مورد تحقیقات لازم معمول، معلوم شد که بهاییان هر هفته سه بار در محفل خودشان جمع و فعالیت مذهبی می نمایند...^۳ این فعالیتهای گسترده حساسیت نیروهای مذهبی تبریز را برانگیخت، به طوری که مرحوم حاج میرزا حسن ناصرزاده و حاج میرزا حسین انزلی چهرگانی دو تن از وعاظ^۴ پرشور در شبهای ماه مبارک رمضان سال ۱۳۴۰ در مناظر علیه آنان به سخنرانی پرداختند. این گزارش می افزاید:

... در روزهای مختلف در مساجد ضمن وعظ خطابه بیاناتی بر علیه بهاییان و نفوذ آنها در دستگاههای دولتی و همچنین ازدیاد فعالیت آنان ایراد می نمایند...

با ارسال این گزارش به اداره اطلاعات شهربانی کل کشور، یکی از مقامات عالی رتبه ارتش در نامه‌ای به یکی از مسئولان بلندپایه شهربانی کل کشور می نویسد:

۱۲ اسفند ۱۳۴۰

تیمسار [ناخوانا] کرامتی

شرحی از تبریز رسیده است که خلاصه آن لفاً از نظر عالی می گذرد. اطمینان دارد برای جلوگیری از هرگونه اقدامات مخالف آسایش اهالی کشور، اوامر لازمه مقتضیه صادر فرموده و می فرمایند و این قبیل اشخاص مُفسد و فتنه جو شدیداً مورد مؤاخذه و تنبیه قرار خواهند گرفت. توصیه و عدالت گستری تیمسار باعث مزید تشکر ارادتمند و جمعی از خدمتگزاران حقیقی میهن مقدس خواهد گردید.

سرلشکر. [امضا]^۵

نگارش چنین توصیه‌نامه‌ای برخلاف عرف اداری شهربانی، سندی متقن از میزان نفوذ

فعالیت بهاییان در آذربایجان به روایت اسناد

بهاییان در مراکز حساس کشور است. در این نامه برخورد جدی با حجت‌الاسلام ناصرزاده و همچنین رعایت حال بهاییان توصیه شده است.

در سندی دیگر از اسفند ۱۳۴۱، سال پایانی برنامه ده ساله بهاییان، سرتیپ عطایی رئیس شهربانیهای آذربایجان شرقی طی دستوری به شهربانیهای تابعه و کلاتریها ابلاغ می‌کند که:

طبق دستور مرکز گزارشات واصله از بعضی از شهرستانها حاکی بود که اخیراً فعالیت فرقه بهایی افزایش یافته و عمال و مبلغین آن فرقه از طرق مختلف در اغفال و گمراه نمودن مردم مشغول فعالیت می‌باشند لذا مراتب [به وزارت] کشور و سازمان اطلاعات و امنیت کشور منعکس گردید. در پاسخ اعلام داشته‌اند با توجه به اصل بیست و یکم قانون اساسی، انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل نظم هستند ممنوع می‌باشد علی‌هذا لازم است با توجه به امریه صادر شده [از سوی] وزارت کشور به نحو مقتضی با همکاری ساواک محل از فعالیت مضره و تظاهرات [ات] فرقه مذکور جلوگیری و نتیجه را گزارش نمایید.^۶

این ابلاغیه که از تهران صادر شده بود، به احتمال زیاد نمی‌تواند بی‌ارتباط با مبارزه روحانیان به رهبری امام خمینی با لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی باشد که در آن رژیم شاه تلاش می‌کرد نوعی رسمیت غیرمستقیم به فرقه بهائیت ببخشد.

نقشه نُه ساله

در ادامه نقشه ده ساله مرکز جهانی بهاییان، نقشه‌ای موسوم به «نقشه جلیله نُه ساله» طراحی و به اجرا گذاشته شد که از آغاز سال ۱۳۴۳ محافل بهایی ملزم به اجرای آن گردیدند. خوشبختانه در اسناد موجود آگاهیهای بیشتری از این برنامه در دست است. در شیوه‌نامه «بیت‌العدل اعظم»، تمامی بهاییان ملزم گردیدند از «کلیه مصالح و احتیاجات محلی و منافع مادی و نفسانی خویش صرف‌نظر کرده و با اهدای حداکثر کمک مالی، شخصاً با کمال خلوص نیت در انجام هدفهای این نقشه جهانی شرکت نمایند.»^۷ طی دستورهای جداگانه، محافل بهایی سراسر کشور ملزم گردیدند که از احداث ساختمان جدید خودداری کرده فقط به تعمیرات ضروری آن هم برای جلوگیری از خرابی بپردازند و در عوض هزینه آن را به مرکز بهاییان ارسال دارند.^۸

برای اجرای این نقشه نُه ساله، هیئتهایی شکل گرفت که گزارش لحظه به لحظه فعالیت‌های خود را به مرکز بهائیت ارسال می‌کردند. از دستورالعملهایی که به محافل بهایی صادر می‌گردید و بخشی از آنها در گزارشهای شهربانی آذربایجان انعکاس یافته برخی از اهداف آنها روشن می‌گردد. از آن جمله نفوذ در تمام قسمتها و نقاط آذربایجان و به دست گرفتن تدریجی اراضی

حاصل خیز کشاورزی و همچنین نفوذ در میان ایلات و عشایر آذربایجان و سایر نواحی بود. در یکی از دستورهایشان به تاریخ دی ماه ۱۳۴۳ به محفل روحانی تبریز چنین آمده است:

از آن محفل مقدس خواهشمند است در صورتی که در حوزه آن قسمت امری [از] لحاظ پیشرفت امر نشر نفعات الله به طور عمومی و دسته جمعی و همچنین ابلاغ کلمه الله بین ایلات و عشایر احساس می گردد که احتیاج تشکیل لجنه مخصوصی برای این منظور است مقرر فرمایند در تشکیل آن اقدام فرموده نتیجه را ابلاغ فرمایند.^۹

در دستورالعملی دیگر به محفل بهاییان مهاباد اجازه خرید یک باب خانه در منطقه اشنویه برای تبلیغ در میان کردها صادر شده است زیرا «به منظور اجرای اهداف نقشه ۹ ساله است [و] بلا مانع خواهد بود»^{۱۰}

از دیگر اهداف این برنامه، تصرف تدریجی اراضی کشاورزی مناطق حاصل خیز از جمله در آذربایجان بود. در ۳۰ دی ۱۳۴۳ به محفل روحانی تبریز دستور می رسد که «آن محفل مقدس استحضار کامل از وضع چهریق و املاک امری در آن سازمان دارند. خواهشمند است مقرر فرمایند نفوسی را که بتوانند در امور زراعت اقدام کنند با مطالعه قبلی جهت تصرف و تملک تدریجی به آن محل اعزام فرمایند»^{۱۱}

از دستورهای دیگرشان آشکار می گردد که محفل جهانی بهائیت بسیار علاقه مند بوده است که هر نوع کتاب خطی و مطبوع دیگر در مورد ایلات و عشایر از نواحی مختلف ایران بویژه آذربایجان را جمع آوری نماید و در میان عشایر قراء و قصبات کوچک و بزرگ هم محافل بهائیت دایر شود.^{۱۲}

تبلیغ در مراکز فرهنگی و آموزشی

در بررسی اسناد موجود در پرونده بهائیت در شهربانی آذربایجان، زوایای بیشتری از اهداف برنامه نه ساله بهائیت آشکار می گردد. بهاییان می کوشیدند در مراکز آموزشی و فرهنگی نفوذ نمایند.^{۱۳} در قدیم ترین سند موجود به سال ۱۳۲۹ آمده است که یک آموزگار بهایی از طرف محفل بهاییان تبریز در قریه ایواوغلی خوی مأمور تدریس شده بود که با حساسیت ایجاد شده مجبور به ترک منطقه می شود.^{۱۴} در برنامه نه ساله، نفوذ در مراکز آموزشی پیش بینی شده بود. دانشگاه تبریز و ادارات آموزش و پرورش آذربایجان محل مناسبی برای فعالیت به شمار می رفت. در سالهای پایانی برنامه نه ساله، بهاییان در دانشگاه تبریز و برخی محافل دیگر به موفقیت‌هایی دست پیدا کرده بودند. در گزارشی از سال ۱۳۵۰ درج شده است:

ساعت ۱۹ الی ۲۱ روز جمعه ۵۰/۱۰/۲۴ جلسه جوانان دانشجوی بهایی در منزل

فعالیت بهایبان در آذربایجان به روایت اسناد

سرگرد دکتر برق‌آسا، افسر ارتش در تبریز تشکیل و تعدادی از رؤسای دانشکده‌ها و استادان دانشگاه از جمله معاون دانشکده پزشکی و آقای دکتر میرآفتابی در جلسه شرکت داشته‌اند.^{۱۵}

در گزارش دیگری به شگرد استفاده از دختران و زنان برای تبلیغ بهاییت اشاره شده است که در دانشگاه و اداره آموزش و پرورش به کار می‌رفته است: «پیروان فرقه بهایی در تبریز فعالیت‌های تبلیغاتی خود را در دانشگاه، اداره آموزش و پرورش و سایر ادارات با استفاده از زنان و دختران بهایی تشدید نموده‌اند.» در ادامه گزارش به اسامی فعالان در مراکز مختلف فرهنگی اشاره شده است از جمله «آموزگار یک دبستان و کودکستان».^{۱۶} در گزارشی دیگر از فعالیت صورت گرفته در دانشگاه تبریز می‌خوانیم:

خبر رسیده حاکی است اخیراً چند دانشجوی بهایی مسلک که در دانشکده‌های مختلف دانشگاه تبریز مشغول تحصیل گردیده‌اند علناً تبلیغ بهایی‌گری می‌نمایند. از جمله شخصی به نام مسعود فغایبان که پدرش مدیرعامل کارخانجات زمزم شیراز می‌باشد به اتفاق خانم انصاری ماشین‌نویس سازمان آب که مشارالیه نیز بهایی می‌باشد در اجتماع تبلیغ می‌نماید.^{۱۷}

۲۱۹

از فعالیت‌های علنی و تبلیغ بهاییت در دانشگاه تبریز، سازمان آب، شهرداری، آموزش و پرورش نیز گزارش‌هایی رسیده بود.^{۱۸} اسناد موجود حاکی است که رفته رفته فعالیت بهایبان بویژه در مراکز فرهنگی و آموزشی رو به رشد بوده است. در گزارشی از اوایل سال ۱۳۵۶ آمده است: طبق اطلاع اخیراً خانم پارسا رئیس آموزشگاه بهیاری بیمارستان شیر و خورشید تبریز مبادرت به تبلیغ مسلک بهایی‌گری نموده و دانش‌آموزان پانسیون بهیاری که مسلک بهاییت را قبول کرده‌اند همیشه مورد توجه و عنایت ایشان بوده و روزهای دوشنبه به آنان اجازه شرکت در جلسه متشکله مربوط به بهایی‌گری در منزل آقای آستانی واقع در کوچه خیریه را می‌دهد به طوری که این‌گونه تشریفات عده دختران پیرو این مسلک را به ۲۵ نفر رسانده و موجبات دل‌سردی و ناراحتی سایر دختران مسلمان را فراهم ساخته مضاف بر اینکه در مدت زمان مرخصی دختران بهایی، کار آنان به دختران مسلمان ارجاع می‌گردد.^{۱۹}

چون فعالیت بهایبان برنامه‌ریزی شده و به دقت انجام می‌گرفت، اهداف موردنظرشان نیز محقق می‌شد. به عنوان نمونه در گزارشی از سال ۱۳۵۴ نام شش آموزگار بهایی قید شده است که در کلاسهای خود آشکارا به تبلیغ مشغول بوده‌اند. بدیهی است چنین فعالیت‌هایی بدون عکس‌العمل در جوّ مذهبی تبریز نباشد گرچه قصد پرداختن به عکس‌العمل اقشار مذهبی را در مقابل فعالیت‌های بهایبان نداریم، با این حال در همین گزارش قید شده است:

... چند نفر از متعصبین مذهبی تبریز از جمله آقایان ۱- حاج خلیل خوبی ۲- وحدت (واعظ) ۳- شریف‌پور (ابزار فروش) ۴- پاینده (دبیر آموزش و پرورش) در نظر دارند که در این زمینه و برای جلوگیری از فعالیت و تبلیغات آنان به استانداری و آموزش و پرورش مراجعه و شکایت و تقاضا کنند. ترتیبی داده شود که این قبیل افراد لااقل در مشاغل اداری انجام وظیفه نمایند.^{۲۰}

نفوذ و گسترش روزافزون

با نفوذ بهاییان در سطوح مختلف ارکان حکومت شاهنشاهی پهلوی، شاهد آزادی عمل روزافزون آنها هستیم:

ساعت ۱۰ روز ۴۷/۶/۲۶ چند نفر از مسافرین تبریز در قهوه‌خانه میدان راه‌آهن نشسته صحبت می‌کردند که صاحب کارخانه ماشین‌سازی تبریز که بهایی می‌باشد هر چند روز عده‌ای از کارگران را اخراج نموده و کارگران جدیدی به کار می‌گمارد. کارگران کارخانه از صاحب کارخانه ناراضی بوده قصد دارند به نمایندگی از طرف خود کارگرانی را جهت تسلیم شکایت به بازرسی شاهنشاهی به تهران بفرستند.^{۲۱}

۲۲۰

و یا در سند دیگری خبر دایر شدن مکتب تعلیم بهاییت برای کودکان بهاییان توسط محفل تبریز عنوان شده است.^{۲۲} مواردی از چنین مطالبی در اسناد فراوان یافت می‌شود.

سال ۱۳۵۲ برای فعالیت بهاییان در آذربایجان سال پرتحرکی بود. از جمله تلاشهای آنها در این سال، چاپ و توزیع کتابهای ضداسلامی در تبریز است که شخصی به نام چیت‌ساز از تهران این کتابها را به تبریز انتقال داده «در بازار و نقاط مختلف شهر پخش» کرده است.^{۲۳} در ادامه همین فعالیتها مسئولین کارخانه پپسی کولا «هرماه مبالغ زیادی پول در اختیار یکی از مبلغان بهایی تبریز قرار می‌دادند تا صرف تبلیغ بهاییت نماید» که وی هم از عهده این کار به خوبی برآمده است.^{۲۴} در تکمیل این گزارش، گزارش دیگری به شرح زیر موجود است:

خبر رسیده حاکی است آقای چیت‌ساز ساکن تهران که رابط بین بهاییان تهران و سایر شهرستانهای ایران می‌باشد در تاریخ ۵۲/۸/۲ از تهران به تبریز وارد و مدت دو روز در منزل زهتاب دندانساز سکونت و مبلغ دویست هزار تومان به صندوق اسناد بهاییان تبریز که توسط شرکت زمزم ارسال شده بود تحویل و ضمناً با آقای مهندس ساعدی رئیس نیروگاه برق تبریز ملاقات و گفتگو و روز ۵۲/۸/۴ تبریز را به قصد تهران ترک نموده است.^{۲۵}

بر اساس این گزارش اگر همین مبلغ را به سایر شهرهای بزرگ ایران هم ماهیانه پرداخت

فعالیت بهاییان در آذربایجان به روایت اسناد

کرده باشند رقم سرسام‌آوری را برای تبلیغ بهائیت اختصاص داده‌اند. به عبارتی، سالیانه حدود شصت میلیون تومان صرف تبلیغ بهائیت نموده‌اند. و به عبارت دیگر از سال ۵۲ تا ۱۳۵۷ حدود سیصد میلیون تومان خرج کرده‌اند.^{۲۶} موضوع مهم‌تر آنکه شرکت ززم یکی از صدها شرکت فعال بزرگ و کوچک بهاییان قبل از انقلاب بوده است.

ارتباط با بیگانگان

نفوذ گسترده بهاییان در مراکز فرهنگی و به دست گرفتن شریانه‌های کشور، به آنان این جرئت و جسارت را می‌داد که وابستگی‌های خود را به بیگانگان بدون ترس و واهمه بیان و به آن افتخار نمایند؛ ضمن اینکه از این مسئله برای ارباب و جذب افراد هم استفاده نمایند. آنچه در اسناد و گزارشهای شهربانی آذربایجان شرقی انعکاس یافته از موارد بسیار بدیهی و آشکار این اظهارات می‌باشد. از سال ۱۳۴۸ سندی به شرح زیر وجود دارد:

آگاهی رسیده حاکی است که چند تن از افراد فرقه بهایی در کشور اسرائیل سکونت داشته و چند نفر نیز از جمله شخصی به نام روح‌الله مشتاق اهل قریه سیسان در اطراف تبریز به آن کشور تردد داشته و کمکهایی که از طرف فرقه مذکور به کشور اسرائیل می‌گردد توسط آنها انجام می‌گیرد. ضمناً بهاییانی که در آذربایجان در سایر شهرستانها دارای تأسیسات و کارخانه‌هایی هستند از وسایل و آلات ساخت اسرائیل استفاده و با خرید آن به اقتصاد کشور مورد بحث به طور غیرمستقیم کمک می‌نمایند.^{۲۷}

موضوع قابل تأمل آنکه طبق اسناد ساواک، آیت‌الله قاضی طباطبایی قصد داشت در عید فطر سال ۱۳۴۷ به همراه نمازگزاران به قریه سیسان (مورد اشاره در سند فوق) رفته نماز عید را در آن محل برگزار نماید که مقامات شهربانی از آن کار جلوگیری می‌کنند.^{۲۸} و جالب‌تر آنکه در خطبه‌های نماز عید فطر همین سال، آیت‌الله قاضی طباطبایی در مسجد مقبره، حملات تندی علیه رژیم اشغالگر قدس می‌نماید و در پی آن به مدت یک سال از تبریز به بافت، سپس به زنجان تبعید می‌گردد. پس از تبعید وی در تبریز شایع می‌شود که تبعید وی به خواست بهاییان و یهودیان انجام گرفته است؛ ضمناً دولت ایران از اسرائیل پشتیبانی و کمکهایی مالی به آن کشور می‌کند.^{۲۹}

ارتباط بهاییان با کشورهای بیگانه موضوعی قابل کتمان نیست بویژه موقعی که ایشان از قدرت، نفوذ و موقعیت خوبی در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار بودند و خود به این ارتباط افتخار هم می‌کردند. در یکی از گزارشهای شهربانی آذربایجان شرقی به اداره اطلاعات آمده است:

طبق اطلاع، اخیراً شخصی به نام شهرام عیسی خانی دانشجوی سال اول ریاضی دانشکده علوم دانشگاه آذربادگان در کلاس درس، سایر دانشجویان را به قبول مسلک بهائیت تشویق و چنین اظهار می‌دارد که دولت شوروی و انگلیس مخفیانه به بهائیان پول می‌دهند تا کمیته بهائیان را تقویت کنند ما نیز افراد بهایی بویژه اشخاصی را که به این مسلک پیوندند از نظر تأمین مسکن و کمک هزینه زندگی حمایت و کمک می‌کنیم.

در ارزیابی گزارش فوق قید شده که «قابل بررسی است»^{۳۰} اما در خلاصه شده گزارش فوق که به ریاست اداره اطلاعات شهربانی کل کشور و ریاست ساواک استان ارسال شده است، در ارزیابی گزارش چنین قید شده است: «تبلیغ صحت دارد»^{۳۱}

پانوشتها

- * کارشناس مرکز اسناد انقلاب اسلامی و پژوهشگر تاریخ معاصر آذربایجان.
- ۱- در خاطرات صبحی، منشی و محرم اسرار عبدالبهاء موارد جالبی از این ارتباط نشان داده شده است. ر.ک: خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بایب‌گری و بهایی‌گری، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
 - ۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده بهائیت در آذربایجان، کد ۷۷۰۲ و ۷۷۴۰.
 - ۳- سند شم ۱.
 - ۴- مرحوم ناصرزاده و مرحوم انزابی از جمله وعاظ مبارز دوران نهضت اسلامی در تبریز هستند که فعالیتهای زیادی داشته‌اند.
 - ۵- سند شم ۲.
 - ۶- سند شم ۳.
 - ۷- سند شم ۴.
 - ۸- سند شم ۵، نمونه یکی از دستورالعملهایی است که به محفل روحانی میاندوآب صادر شده است.
 - ۹- ر ک به: سند شم ۶.
 - ۱۰- ر ک به: سند شم ۷.
 - ۱۱- ر ک به: سند شم ۸.
 - ۱۲- ر ک به: سند شم ۹.
 - ۱۳- بایبان هم به این تلاشها دست می‌زدند تا جایی که در برخی از خاطرات شفاهی بر جای مانده این موضوع یادآوری شده است که بسیاری از مردم آذربایجان به خاطر اینکه فرزندانشان بایب نشوند، آنان را از درس خواندن باز می‌داشتند. (مصاحبه با مرحوم اسدالله صدری لیورجانی، تابستان ۱۳۷۹).
 - ۱۴- سند شم ۱۰.
 - ۱۵- سند شم ۱۱.
 - ۱۶- سند شم ۱۲.
 - ۱۷- سند شم ۱۳.

۱۸- سند شم ۱۴.

۱۹- سند شم ۱۵

۲۰- سند شم ۱۶.

۲۱- سند شم ۱۷.

۲۲- سند شم ۱۸.

۲۳- سند شم ۱۹.

۲۴- سند شم ۲۰.

۲۵- سند شم ۲۱.

۲۶- کمک به ۲۵ شهر $5/000/000 =$ (تومان ماهیانه) $25 \times 200/000/$ (شهر بزرگ)

هزینه صرف شده یکساله برای ۲۵ شهر $60/000/000 =$ (یکسال) $12 \times 5/000/000/$

پنج سال $300/000/000 =$ (۵ سال) $5 \times 60/000/000$ از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ پیروزی انقلاب اسلامی

۲۷- سند شم ۲۲.

۲۸- یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید آیت‌الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی (جلوه محراب)، تهران، مرکز

بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵.

۲۹- همان، ص ۲۷۳.

۳۰- سند شم ۲۳.

۳۱- سند شم ۲۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی